

رستگار خالد، امیر و مقدمی، ساجده (۱۳۹۷). بررسی رابطه‌ی تمایل به ارزش‌های عرفی و نگرش به فرزند. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۵(۱۱)، ۱۷۴-۱۵۳.



بررسی رابطه‌ی تمایل به ارزش‌های عرفی و نگرش به فرزند

امیر رستگار خالد^۱ و ساجده مقدمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۴

چکیده

کاهش مستمر و اساسی میزان باروری کل در ایران طی سه دهه‌ی گذشته، محققان را به سمت بررسی عوامل موثر بر باروری سوق داده است. در این میان، کاهش دینداری و افزایش عرفی‌شدن جوامع به عنوان یکی از عوامل موثر بر بارداری مورد توجه محققان قرار گرفته است. مطالعه‌ی حاضر سعی کرده به مدد نظریه ارزش‌های سنتی/ عرفی عقلایی اینگلهارت، نظریه انتقال دوم جمعیتی لستاق و وندکا، نظریه دگرگونی صمیمیت و خانواده هتلی، نظریات عرفی‌شدن و باروری به تبیین رابطه تمایل به ارزش‌های عرفی و نگرش به فرزند بپردازد. روش اجرای این تحقیق پیمایش (کمی)؛ ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه؛ جامعه‌ی آماری، زوجین ۱۵-۴۹ ساله تهرانی و نمونه تحقیقی، ۴۰۰ زوج ۱۵-۴۹ ساله تهرانی است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که ۸۸ درصد افراد جامعه دارای جهت‌گیری‌های عرفی در حد زیادی هستند. علاوه بر این دین به صورت خصوصی در میان مردم دارای پذیرش زیادی است؛ اما در عرصه عمومی کارکردهای خود را از دست داده است. از نظر پاسخ‌گویان فرزندان منافع احساسی کمی برای والدین دارند و منافع تقویت خود، کسب هویت و تداوم خانواده در حد کمی از طریق فرزند تأمین می‌شود. فرزندان هزینه‌های احساسی، محدودیت، زحمات جسمی، هزینه خانوادگی تقریباً زیادی برای والدین ایجاد می‌کنند. در نهایت فرضیه اصلی تحقیق تأیید شد. به این معنا که بین عرفی‌گرایی و نگرش به فرزند رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: عرفی‌گرایی؛ نگرش به فرزند؛ منافع و هزینه‌های فرزند؛ ارزش‌های خانواده.

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول)، amir_rastegarkhaled@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شاهد، sajedemoghadam@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

در تاریخ جوامع بشری، چندین پیوند مهم، و بیش یا کم دائمی، میان دین و خانواده وجود داشته است. در هسته این پیوندهای اسطوره‌ای، کیهان‌شناختی و الهیاتی، اصل زایش و نوزایی قرار دارد (ترنر، ۲۰۰۴). اخیراً نرخ زادوولد در بخش عمده‌ای از آسیا، اروپای شرقی و آمریکای لاتین افت شدیدی داشته است. در جنوب صحرای آفریقا نیز به‌طور کلی در سال‌های اخیر باروری کاهش یافته و به ۴/۵ رسیده است؛ اما شامل همه کشورهای نمی‌شود. در کل دنیا، انتظار می‌رود زنان در طول عمرشان ۲/۵ فرزند بیاورند، چنانچه «نرخ کل باروری»^۱ از ۶/۷ در بازه ۱۹۷۵-۱۹۷۰ به ۳/۲ در سال ۲۰۱۰ رسیده است (تربورن، ۲۰۱۴ به نقل از یوان‌اف‌پی‌ای^۲، ۲۰۱۰، ۱۰۵-۲۹۰). طی سه دهه‌ی گذشته میزان باروری کل در ایران نیز، کاهش مستمر و اساسی داشته است، به طوری که میزان باروری کل از ۶/۹ فرزند برای هر مادر در سال ۱۳۶۳ به ۱/۸ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰). در استان‌های توسعه یافته تر این کاهش‌ها چشم‌گیرتر بوده است. به طوری که طبق تحقیقات انجام شده، میزان باروری کل برای زنان شهر تهران به ۱/۴ فرزند برای هر مادر در سال ۱۳۸۹ رسیده است (مشفق، ۱۳۹۱: ۹۶ به نقل از عرفانی، ۲۰۱۰). لزوم توجه به باروری و فرزندآوری محققان را به سمت بررسی عوامل موثر بر باروری سوق داده است. کاهش دینداری و عرفی‌شدن جوامع یکی از عوامل موثر بر بارداری است که مورد توجه محققان نیز قرار گرفته است. فیل زاگرمین^۳ (۲۰۱۶) تصریح می‌کند که افراد دین‌دار معمولاً تعداد فرزندان بیشتری نسبت به افراد عرفی شده دارند. امروزه آن کشورهایی که بیشترین نرخ زادوولد را دارند، دین‌دارترین کشورها هستند؛ درحالی‌که کشورهایی که کمترین میزان تولد را دارند، عرفی‌ترین کشورها هستند. پس بنا بر ملاحظات جمعیت‌شناسانه، کشورهای دین‌دار از این جهت که نوزادان بیشتری دارند، از مزیت زادوولد برخوردارند. از نظر ویگل^۴ (۲۰۰۵) دلایل اقتصادی، جامعه‌شناختی، روانشناختی و حتی دلایل ایدئولوژیک وجود دارد که نرخ تولد اروپا برای چندین دهه به زیر سطح جایگزینی رسیده است. ریشه‌های تقریبی این مشکل به اروپای قرن نوزدهم به درام اومانیسیم الحادی و پیروزی سکولاریسم، بازمی‌گردد (فرجکا و وستف، ۲۰۰۶: ۱۲). باکراچ^۵ (۲۰۰۱) تاکید می‌کند کاهش باروری در صورتی رخ می‌دهد که نهادهایی مثل نهاد دین که فرزندآوری را ترویج می‌کنند در جامعه مورد طرد واقع شوند. در چنین جامعه

1- TFR
2- UNFPA
3- Zuckerman
4- Weigel
5- Bachrach

ای تصور غالب افراد این است که فرزندان، آزادی فردی را کاهش می‌دهند و والدین از دست یابی به خودشکوفایی که از طریق کار کردن و فراغت در هزینه‌ها ایجاد می‌شود؛ بازمی‌مانند. لهر^۱ (۲۰۰۴) نیز بیان می‌کند که تعصب مذهبی یا فقدان آن نیز می‌تواند رفتارهای جمعیتی را با متأثر کردن درک هزینه‌ها و منافع فرزندان، تحت تاثیر قرار دهد (فرجکا و وستف، ۲۰۰۶: ۱۱). اما توجه به رابطه‌ی میان این دو موضوع در میان تحقیقات داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و غالب تحقیقات داخلی از منظر عوامل نهادی و ساختی هم چون تحصیلات، قومیت، نوسازی و ... به بررسی باروری و نگرش به فرزند پرداخته‌اند؛ با توجه به این که تاکنون رابطه بین عرفی‌گرایی و نگرش به فرزندآوری مورد بررسی قرار نگرفته؛ ما در این تحقیق با تاکید بر عوامل فرهنگی و تغییرات ارزشی و نگرشی، نگرش به فرزند را در میان زوجها بررسی می‌کنیم و در نهایت در پی پاسخ این سوال هستیم که: چه رابطه‌ای بین عرفی‌گرایی و نگرش به فرزند وجود دارد؟ آیا عرفی‌شدن فردی، ارزش‌های عرفی و خصوصی‌شدن دین بر نگرش به فرزند تأثیری دارند؟ میزان عرفی‌گرایی در بین زوجین به چه میزان است؟ ارزش‌های مثبت و منفی فرزند و ارزش‌های خانواده کوچک و بزرگ در میان زوجین چه جایگاهی دارند؟

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

اولین نظریه مورد استناد در این تحقیق، نظریه اینگلهارت و همکارانش^۲ (۲۰۰۵) است: اینگلهارت و ولزل برای بررسی تغییر اجتماعی به بررسی دو بعد از تنوع بین فرهنگی می‌پردازند. این دو جنبه ارزش‌های بقا / ابراز وجود^۳ و ارزش‌های سنتی / عرفی عقلایی^۴ است که به نظر آنها قادر به توضیح تفاوت ارزش‌ها و هنجارهای ۸۵ درصد از جمعیت جهان است (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵: ۶).

ارزش‌های سنتی شامل تأکید بر اهمیت خداوند در زندگی، لزوم آموزش اطاعت و مذهب به کودکان، مخالفت با سقط جنین، احساس قوی در مورد افتخار ملی، محترم شمردن توسعه‌ی اجتماعی - اقتصادی، معطوف به حفظ خانواده، اهمیت روابط اولیا- فرزندان و ارزش‌های خانوادگی، تشویق تولید مثل با ازدواج و طرد هر نوع رفتار جنسی دیگر است. این ارزش‌ها زمینه

1- Lehrer,2004

2- Inglehart & welzel,2005

3- Survival/self-expression

4- Traditional /secular rational values

انتقال از جامعه صنعتی به پسا صنعتی را فراهم می‌کنند. در مقابل جوامعی که ارزش‌های عرفی-عقلانی دارند خواسته‌هایشان در همه موضوعات مغایر خواسته‌های جوامع سنتی است (اینگلهارت و ولزل، ۲۰۰۵: ۲۸).

نظریه اینگلهارت بر این فرض استوار است که فرآیند عرفی‌شدن، تغییرات فرهنگی سازمان یافته‌ای را با خود می‌آورد. که در جهت قابل پیش‌بینی‌ای حرکت می‌کنند، از اهمیت دینی در زندگی مردم می‌کاهند و پایبندی به هنجارهای فرهنگی سنتی را سست و مردم را نسبت به طلاق، سقط جنین، هم‌جنس‌گرایی و دگرگونی فرهنگی به طور کلی شکنیباتر می‌سازند. فرآیندهای بلند مدت توسعه، ارزش‌های فرهنگی اصلی را دگرگون می‌کنند، مردم را به سوی لیبرالیسم اخلاقی در باب مسائل جنسی و پیگیری فرصت‌های اغنای خود (خود شکوفایی) خارج از محل کار و عرصه اقتصادی می‌کشاند (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۳۱۸). علاوه بر این ارزش‌ها و اعتقادات به شدت بر مشارکت دینی، نظیر حضور مردم در مراسم عبادی و فراوانی برگزاری نماز یا مراقبه تاثیر می‌گذارند. به نظر می‌رسد ارزش‌های دینی در غالب کشور های تاثیر زیادی بر مشارکت دینی می‌گذارند (همان: ۳۲۰).

در نهایت عرفی‌شدن تاثیر منفی قدرتمندی بر نرخ باروری انسان می‌گذارد. نرخ‌های باروری کشور های ثروتمند که عرفی‌شدن در آن‌ها بیش از همه پیشرفته است، اکنون به مراتب کمتر از سطح جایگزینی جمعیت است- در حالی که نرخ‌های باروری جوامع فقیر با جهان بینی دینی سنتی به مراتب بالا تر از سطح جایگزینی است؛ این جوامع نسبت فزاینده جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. فرهنگ و توسعه انسانی هر دو بر این فرآیند تاثیر می‌گذارند. حرکت از ارزش‌های سنتی به ارزش‌های عرفی-عقلانی، به تحول فرهنگی از تاکید بر نقش زنان به منزله‌ی کسانی که زندگی شان تا حد زیادی محدود به زایش و پرورش کودکان هر چه بیشتر است، به جهانی است که در آن زنان به طیف گسترده‌ی فزاینده‌ای از گزینه‌های زندگی دسترسی دارند و اکثریت آن‌ها شاغل هستند و سرگرمی‌های خارج از خانه دارند. این تحولات با افت چشمگیر نرخ‌های باروری همراه است. بنابراین شاخص چند مقوله‌ای ارزش‌های سنتی/عرفی-عقلانی به خوبی نرخ‌های باروری را پیش‌بینی می‌کند. اما ارزش‌های فرهنگی کل ماجرا نیستند، زیرا الگوهای توسعه انسانی نیز به نرخ‌های باروری انسان کمک می‌کنند. بعلاوه در جوامع کشاورزی فرزندان و نوجوانان نقش حیاتی در حفظ املاک کوچک کشاورزی و نیز حمایت از والدین در سنین سالخوردگی دارند، در حالی که نقش اقتصادی خانواده در اقتصاد های صنعتی کم می‌شود. و دولت رفاه برای مراقبت‌های دوران سالخوردگی منبع جایگزین را تامین می‌کند (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۳۳۱-۳۴۲).

دومین نظریه مورد استفاده در این مقاله نظریه انتقال دوم جمعیتی است. اصطلاح "انتقال دوم جمعیتی" به تغییر جوامع مدرن هم چون تاخیر در ازدواج، به تعویق افتادن و باروری نادر، زندگی مشترک بدون ازدواج، افزایش میزان سقط جنین و طلاق، باروری پایین تر و افزایش بچه دار شدن بدون ازدواج اشاره دارد. وندکا^۱ (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای پیرامون ارجحیت‌های باروری پست مدرن، به بررسی تغییرات ارزشی و ظهور رفتارهای جدید مرتبط با آن می‌پردازد. وی بیش از آن که پست مدرنیته را به عنوان یک دوره زمانی در نظر بگیرد سعی دارد از آن به عنوان نوعی رویکرد و جهت‌گیری ارزشی نام ببرد. و به همین دلیل بر اساس داده‌های بین‌المللی به ویژه پیمایش ارزش‌های جهانی اینگلهارت دیدگاه‌های مدرن، ماتریالیستی و پست ماتریالیستی و پست مدرن را از هم تفکیک می‌کند و جایگاه هر یک از این جهت‌گیری‌های ارزشی را در ارتباط با پدیده فرزندآوری در کشور های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر وی انتقال از جهت‌گیری ماتریالیستی به پست ماتریالیستی یکی از عناصر اصلی اساسی پست مدرن بوده است. وندکا معتقد است که بین تغییر در جهت‌گیری ارزشی و تغییر در روند‌های دموگرافیک ارتباط قوی وجود دارد. برای نمونه او نشان داده است که هر چه نمره ارزش‌های پست ماتریالیستی بیشتر باشد به همان اندازه سهم بیشتری از باروری در سنین بالای ۳۰ سال خواهد بود. از نظر وی ظهور ارزش‌های پست مدرنیستی می‌تواند با بروز رفتارهای منطبق با آن چه انتقال دوم جمعیت شناختی (از جمله باروری پائین و یا به تاخیر اندازی فرزند آوری و...) نامیده شده‌اند، همراه باشد (وندکا، ۱۹۹۸: ۲-۴) اما آن چه تفسیر اس‌دی‌تی^۲ را از اف‌دی‌تی^۳ متمایز می‌کند؛ خودشکوفایی، استقلال فردی انتخاب، شیوه زندگی و توسعه خصوصی و آزادی است که جوامع جدید آن را تجربه می‌کنند. آن چه که فرد در این گذار درک می‌کند، به ویژه در تشکیل و از هم پاشیدگی خانواده، نگرش به تنظیم باروری و انگیزه برای پدر و مادر بودن منعکس می‌شود.

مطالعات لستاق (۱۹۸۱) نشان دهنده این هستند که "معنای پدر و مادر" بیشتر در قالب خودمداری قرار می‌گیرد تا وظیفه اجتماعی. ظاهراً زوج‌ها، پدر و مادر می‌شوند تا نیازهای شخصی‌شان اقماع شود (وندکا، ۲۰۰۸: ۱۶) در این بین عوامل اجتماعی و اقتصادی نیز بی‌تاثیر نیستند؛ افزایش بسیار درآمد در هر سر جمعیت به همراه توسعه دولت‌های رفاه اجتماعی تاثیر بسیار عمیقی دارد. تغییرات اقتصادی همچنین در منشأ موضوعات اجتماعی جدید واقع شده‌اند. به طور مثال، گسترش و بهبود سیستم‌های امنیت اجتماعی، شبکه امنی به وجود آورد که مردم را به

1- Van de ca, 1998

2- SDT: Second demographic transition

3- FDT: First demographic transition

زندگی معقول حتی تحت شرایط نامطلوب خاطر جمع کرد. این امروالدین را کاملاً مستقل از درآمد فرزندان‌شان ساخت. و به مردم آزادی فردی بیشتر در روابط شخصی، در سازماندهی کردن زندگی و در انتخاب شیوه زندگی داد. در این زمان سیستم آموزشی به طور فوق العاده‌ای گسترش یافت. تمامی این موارد دختران و زنان جوان را به سرمایه‌گذاری بیشتر در مهارت‌ها و آموزش خودشان قادر ساخت و میلشان را برای این که عضوی فعال از نیروی کار باشند افزایش داد و به استقلالشان کمک کرد. که بلاسفلد و همکارانش تأکید می‌کنند در دهه‌های گذشته، پیشرفت جهانی شدن و استحکام بازارهای کار، تأمین امنیت یک موقعیت دائمی را برای جوانان دشوار کرده است. آن‌ها به عنوان "بازنده‌های دنیای جهانی شده" توصیف می‌شوند. در نتیجه، تصور بر این است که زمان زیادی طول می‌کشد تا نسل کنونی به احساس خوب و کافی جهت تشکیل خانواده برسد. در مجموع به نظر می‌رسد، پیشرفت‌ها و تحولات اقتصادی، با وجود این که فرصت‌های خود شکوفایی افراد را افزایش می‌دهد و آزادی زنان و گروه‌های محروم را تحقق می‌بخشد، پدر و مادر شدن را به پیشنهادی کمتر جذاب و ساده نسبت به قبل تبدیل کرده است (وندکا، ۲۰۰۸: ۱۷).

علاوه بر موارد فوق باید اضافه کرد که رشد فردگرایی و میل به خود شکوفایی، به عنوان ویژگی گذار دوم، معمولاً رابطه نسبتاً مستقیمی بر اهداف باروری مردم و میانگین اندازه خانواده داشته است. همچنین باید فرض شود که تأثیر مستقیمی بر شانس حیات و خصوصاً امید به زندگی در سنین بالا دارد (وندکا، ۲۰۰۸: ۱۸).

درضمن می‌توان به عرفی‌شدن نهاد سنتی ازدواج در جریان عرفی‌شدن جامعه اشاره کرد. بحث اصلی پیرامون ازدواج و زندگی خانوادگی در قرن بیستم حول محور به‌اصطلاح گره پیچیده عشق رمانتیک است: در طول قرون وسطی، تنشی میان عشق سوزناک و نهاد ازدواج وجود داشت چرا که ازدواج اساساً قراردادی میان دو خانواده برای مشروعیت‌بخشی به رابطه جنسی بود تا تداوم مالکیت و توزیع اموال در نسل‌های جدید را تضمین کند. ازدواج‌های مدرن نماینده دگرگونی انقلابی در این الگوی سنتی هستند، چرا که سعی دارند ازدواج را بر پایه تعلق رمانتیک گذاشته و بر اساس همدمی و صمیمیت تعریف کنند. تفسیر ازدواج مدرن به مثابه «دگرگونی صمیمیت» یک مضمون غالب در جامعه‌شناسی معاصر است که ایده آل «رابطه خالص» را ناشی از عشق (نه حساب‌گری) می‌داند (ترنر، ۲۰۰۴ به نقل از گیدنز، ۱۹۹۲). این رابطه در قالب یک زناشویی قانونی تعریف می‌شد که زوجین به خاطر صمیمیت، نه فرزندآوری، وارد آن می‌شدند. چنین رابطه‌ای هم‌بسته با تحرک اجتماعی و جغرافیایی، یک سبک زندگی فراغت‌گونه موسوم به «هتل‌زیستی»، و زودگذری اجتماعی بود. چنین رابطه‌ای را «خانواده هتل» نامیده بودند (ترنر، ۲۰۰۴ به نقل از

هاینر، ۱۹۲۷). گمان می‌شد این رابطه‌های مهربانانه رو به افزایش باشند؛ و نتیجه‌اش تحول خانواده از یک نهاد اقتصادی مبتنی بر تعهد قراردادی به یک مهربانی صمیمانه بود. توسعه صمیمیت عاطفی و رابطه‌ی خالص را بخشی از روند عرفی‌شدن جامعه، و به ویژه عرفی‌شدن نهاد سنتی ازدواج، دانسته‌اند (ترنر، ۲۰۰۴).

چهارمین دسته از نظریه‌های مورد استفاده در این تحقیق، نظریه‌های عرفی‌گرایی و باروری است. جمعیت‌شناسان تلاش کرده‌اند تا به تبیین این موضوع بپردازند که چرا در بعضی محیط‌ها مذهب یک تاثیر عمده بر رفتار جمعیت شناختی دارد. کالدول عرفی‌شدن را به عنوان فرآیندی تعریف می‌کند که از طریق آن مذهب به حوزه‌های خیلی دور و کم‌اهمیت زندگی رانده می‌شود؛ طوری که عمده تصمیمات در مورد رفتار جمعیتی در یک زمینه‌ی مذهبی اتخاذ نمی‌شود (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۰۲).

گاتلیب^۱ (۲۰۰۸) گزارش می‌دهد که افراد به شدت مذهبی نسبت به افراد عرفی، به احتمال بیشتری خانواده‌های بزرگ با فرزندان زیاد داشته باشند. نرخ تولد در مذهبی‌ترین ملل روی زمین سه برابر افراد ملل دارای حداقل مذهب، است (فرجکا و وستف، ۲۰۰۶: ۱۱). می‌توان استدلال کرد که مذهب به عنوان نیروی ضد پذیرش ارزش‌های ماتریالیستی و نیرویی که ممکن است زنان را برای ادامه ارجح دانستن مادری و فرزندآوری به جای یا در کنار تحصیلات و شغل تشویق کند، عمل می‌کند. یک توجیه دیگر برای باروری پائین این است که باروری پائین زمانی حاصل می‌شود که زنان، الگوهای سنتی را با در پی گرفتن تحصیلات و کار در خارج از خانه بودن، نقض می‌کنند (نیومن، ۲۰۰۶: ۴۳-۴۴).

گلدشایدر استدلال می‌کند عرفی‌شدن و کاهش اندازه خانواده با هم در ارتباط اند چراکه نقش کلیدی مذهب، تأکید بر ارزش‌های خانوادگی و نابرابری‌های جنسیتی است. در سطح کلان، بحث کلی این است که مذهب به عنوان نماد گذشته و میراث جامعه سنتی بخشی از فرهنگ سنتی است که اندازه خانواده بزرگ را تقویت می‌کند. اما جامعه در جریان تحولات فرهنگی و اجتماعی بسیاری قرار می‌گیرد. تحول اجتماعی شامل تغییر به سمت اندازه خانواده کوچک می‌شود؛ و تحولات فرهنگی ارزش‌های فرهنگی جدیدی را به ارمغان می‌آورند. این ارزش‌های فرهنگی در پاسخ به فرآیندهای گسترده‌ی توسعه اقتصادی، افزایش تحصیلات، غربی‌شدگی و شهری‌سازی تغییر می‌کند. از آن جا که حمایت‌های فرهنگی پاسخی به شرایط جمعیتی اجتماعی و اقتصادی جدید است. به نوبه‌ی خود، ارزش‌های دینی باروری بالا با جهت‌گیری‌های عرفی

جایگزین می‌شود که بر محوریت افراد در روند تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب عمدی یا آگاهانه‌ی آن‌ها درباره‌ی تعداد فرزندان‌ی که برای شرایط اقتصادی در حال ظهورشان مناسب است، تاکید دارد. بنابراین، در این چشم‌انداز، مذهب و ارزش‌های مرتبط با آن، باروری بالا را تقویت می‌کند؛ در عوض، کاهش در محوریت دینی، عاملی مهم در کاهش باروری می‌شود (گلدشایدنر، ۲۰۰۶: ۴۲-۴۳).

مطالعه‌ی حاضر سعی کرده به مدد نظریه ارزش‌های سنتی / عرفی عقلایی اینگلههارت، نظریه انتقال دوم جمعیتی لستاق و وندکا، نظریه دگرگونی صمیمیت و خانواده هتلی، نظریات عرفی‌شدن و باروری به تبیین رابطه میان عرفی‌گرایی و نگرش به فرزند بپردازد.

۲-۲- پژوهش‌های تجربی

در پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون عرفی‌شدن محققان غالباً از افزایش عرفی‌گرایی و تمایل به ارزش‌های عرفی در میان افراد جامعه سخن می‌گویند. از نظر برخی، این ارزش‌های عرفی از طریق جامعه‌پذیری به فرزندندان منتقل می‌شود. به عنوان مثال رونن بار و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه‌ی با عنوان "تکامل عرفی‌شدن: تئوری‌های انتقال فرهنگی، مذهب، باروری" روند تکاملی از عرفی‌شدن ارائه می‌دهند؛ با فرض این که هنجارهای مذهبی/اجتماعی/فرهنگی به خصوص احساسات مذهبی، در دو شکل جامعه‌پذیری مستقیم_در میان نسل‌ها توسط والدین و جامعه‌پذیری غیر مستقیم_در درون نسل‌ها توسط محیطی فرهنگی از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود. از نظر رونن بار و همکاران تلاش‌های مستقیم جامعه‌پذیری مذهبی از یک نسل اثری منفی در نسل بعد دارد؛ جامعه‌پذیری غیر مستقیم توسط جامعه اثری سهمی وار بر عرفی‌شدن دارد و این دو نوع جامعه‌پذیری در ایجاد مذهبی بودن در نسل بعد مکمل هستند (بار و همکاران، ۲۰۱۳: ۱-۴۱).

از منظر ارتباط بین باروری و مذهب نیز تحقیقاتی صورت گرفته است. مارشال و همکاران (۲۰۱۰) در تحقیق خود با عنوان "باروری، مذهب، تعصب مذهبی زنان اسپانیایی" نشان داده‌اند که، مذهبی بودن با باروری بالا هم در بین زنان اسپانیایی و هم غیر اسپانیایی ارتباط دارد و هم چنین تحصیلات بالا به طور شگفت‌آوری اختلاف باروری را در میان قومیت‌ها کاهش می‌دهد و باروری ارتباط منفی با درآمد در هر دو گروه دارد (مارشال، ۲۰۱۰: ۴۵۱).

1- Ronen Bar-El, 2011

2- Westoff C. F., Marshall E. A, 2010

در این میان محققانی چون گارزا و همکاران^(۲۰۰۶) صراحتاً اعلام می‌کنند که ارتباط مستقیمی بین عرفی شدن سریع در اسپانیا و کاهش نرخ تولد وجود ندارد. آنها در پاسخ به این سوال که "آیا باروری و تعصب مذهبی با یکدیگر مرتبط اند؟" نتیجه‌گیری می‌کنند که باروری ربطی به شدت کنونی مذهبی بودن افراد ندارد اما در معرض فعالیت‌های مذهبی قرار گرفتن طی دوران کودکی تاثیر قابل توجهی بر باروری زنان دارد. علاوه بر این مطابق با نتایج تحقیقات آنان، پدرانی که حضور فعالی در فعالیت‌های مذهبی داشتند؛ اثر مثبتی بر باروری آینده دخترانشان داشته‌اند. در حالی که مشارکت مذهبی فعالانه مادر اثر منفی و معکوسی بر باروری دارد (گارزا، ۲۰۰۶: ۱).

با یک بررسی اجمالی می‌توان گفت که هیچ کدام از تحقیقات داخلی به رابطه عرفی‌گرایی و نگرش به فرزند نپرداخته‌اند و در نتیجه این موضوع در میان تحقیقات داخلی مورد غفلت واقع شده است. نگارنده برای پرکردن این خلاء اقدام به بررسی این رابطه کرده است.

۲-۳- فرضیه پژوهش

- بین عرفی‌گرایی و ارزش فرزند رابطه وجود دارد .
- بین ابعاد عرفی‌گرایی و ارزش فرزند رابطه وجود دارد .

۳- روش تحقیق

جامعه‌ی آماری این تحقیق زوجین ۱۵-۴۹ ساله شهر تهران هستند. که بنا بر اطلاعات درگاه ملی آمار جمعیت این جامعه آماری ۴۶۰۷۳۵۵ نفر شامل ۲۴۴۴۲۲۹ زن و ۲۱۶۳۱۲۶ مرد است. برای درک ناهمگونی‌های فضایی بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران و فرایندهای درهم بافته فرهنگی-اجتماعی و سیاسی-اقتصادی در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. در این زمینه شالی و رفیعیان با استفاده از روش خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی، مناطق ۲۲ گانه شهر تهران را از نظر توسعه یافتگی و از نظر شاخص‌های جمعیتی شامل تراکم جمعیتی، میزان رشد جمعیت، بعد خانوار و درصد جمعیت ۰-۱۴ ساله به ترتیب در چهار سطح: اول (مناطق ۷، ۵، ۶، ۲، ۱، ۳)، دوم (مناطق ۸، ۱۳، ۲۱، ۱۲، ۱۱، ۴، ۹، ۲۲)، سوم (مناطق ۱۶، ۱۵، ۱۹، ۱۴، ۲۰، ۱۰، ۱۸)، چهارم (منطقه ۱۷) خوشه‌بندی کرده‌اند (شالی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷). نمونه آماری تحقیق حاضر با توجه به شاخص توسعه یافتگی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در ۴ مرحله انجام شد. ابتدا حجم نمونه به تعداد ۳۸۴ با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد

سپس از میان مناطق تهران مناطق ۱ و ۲ توسعه یافته، ۸ و ۴ نسبتاً توسعه یافته، ۱۴ و ۱۵ با توسعه متوسط، ۱۷ توسعه نیافته براساس شاخص توسعه یافتگی به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مراحل بعد تعدادی بلوک از هر منطقه به صورت تصادفی و تعدادی خانوار از بین خانوارهای هر بلوک ساختمانی براساس فهرست برداری صورت گرفته، انتخاب شدند. در مرحله آخر هم افراد واجد شرایط در خانوار (زوجین ۱۵-۴۹) از خانوارهای نمونه‌ی ساکن هر بلوک ساختمانی انتخاب شدند.

در این تحقیق برای بررسی اعتبار پرسشنامه از اعتبار سازه و محتوا استفاده شده است. به این معنا که برای طراحی پرسشنامه، سعی شد تا از گویه‌ها و سوالاتی که در تحقیقات مشابه انجام شده و متناسب با موضوع تحقیق بوده، استفاده شود. هم چنین بعد از نهایی سازی سوالات پس از آزمون پری تست^۱ و رفع نقایص آنها، پرسشنامه به اساتید ارائه و با توجه به نظرات ایشان تجدید نظری در سوالات انجام شد. برای بررسی پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و براساس فرمول پیشنهادی آلفای کرونباخ میزان ضریب آلفا محاسبه گردید.

جدول ۱: ضریب پایایی گویه‌ها

خرده مقیاس‌ها	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
عرفی شدن فردی	۲۰	۰/۶۵
نگرش به ارزش‌های عرفی	۲۷	۰/۸۸
خصوصی شدن دین	۲۱	۰/۷۳
گرایش‌ات عرفی کل	۶۸	۰/۹۱
منافع فرزندان	۱۵	۰/۹۱
هزینه‌های فرزندان	۱۵	۰/۹۲
ارزش‌های خانواده بزرگ	۶	۰/۷۲
ارزش‌های خانواده کوچک	۴	۰/۸۱
نگرش به فرزند کل	۴۰	۰/۷۳

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌کنید تمامی خرده مقیاس‌ها دارای ضریب پایایی قابل قبولی هستند؛ اگرچه خرده مقیاس عرفی شدن فردی با ضریب پایایی ۰/۶۵ نسبت به سایر خرده مقیاس‌ها پایین تر است اما بازهم در حد قابل قبولی است و نشانگر همسازی درونی گویه‌هاست.

۳-۱- تعریف نظری و عملی متغیرها

در این تحقیق منظور از نگرش به فرزند، برداشت ذهنی و نگرش افراد در رابطه با میزان توانایی فرزند در ارضای میل و نیاز آنان است. این میل و نیاز افراد می‌تواند جنبه‌های اقتصادی، روانی و اجتماعی و ... داشته باشد. به عبارت دیگر واکنش‌های مثبت و منفی والدین نسبت به توانایی یا عدم توانایی فرزند در ارضای نیازهای متفاوت، همان ارزش فرزند است. برای سنجش متغیر وابسته نگرش به فرزند از مقیاس ارزش فرزند استفاده خواهد شد. شاخص عملیاتی ارزش فرزند شامل ارزش‌های مثبت و ارزش‌های منفی، ارزش‌های خانواده بزرگ و ارزش‌های خانواده کوچک است (لوکاس و میر، ۱۳۸۴: ۹۶). با توجه به چارچوب نظری، عرفی‌گرایی عبارت است از سوگیری ارزشی بر اساس باور به ارزش‌های عرفی، عرفی‌شدن فردی و خصوصی‌شدن دین. به این معنا که کنشگر در ارتباط با هر امر عینی اعم از فیزیکی، فرهنگی یا اجتماعی و سیاسی با توجه به خصایل آن به ارزشیابی می‌پردازد و این ارزشیابی در سوگیری ارزشی وی متجلی است. براساس تعاریف نظری ارزش‌های عرفی را می‌توان عقل‌گرایی، علم محوری، پیشرفت، فردگرایی و کثرت‌گرایی، انسان‌محوری، آزادی دانست و عرفی‌شدن فردی را می‌توان نگرش به عدم اهمیت دین در زندگی شخصی در دو بعد عینی و ذهنی دانست بعد ذهنی شامل اعتقادات دینی، ارزش‌های دینی، عواطف دینی و بعد عینی شامل مشارکت دینی، پیامدهای دینی می‌باشد. از طرفی دیگر عرفی‌شدن فردی؛ با اعتقاد به حضور دین در زندگی شخصی و عدم اعتقاد به کارکردهای دین در نظام‌های چهارگانه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمود پیدا می‌کند. در این صورت دین کارکرد و قلمرو خود را در خرده نظام‌های گوناگون از دست می‌دهد و تنها به عرصه‌های خصوصی و شخصی محدود می‌شود. برای سنجش این مولفه از خرده نظام‌های پارسونز (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی) استفاده خواهد شد.

۴- یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های کلی نمونه آماری به قرار زیر است:

۹۵ درصد از مردان و ۶۱ درصد از زنان در گروه سنی ۲۶ تا ۳۷ سال قرار دارند. ۴۹/۴ درصد زن و ۵۰/۶ درصد مرد و تحصیلات ۴۳ درصد در مقطع تحصیلی لیسانس، ۳۰ درصد دیپلم و فوق

دیپلم، ۱۹/۵ درصد فوق لیسانس، ۴ درصد پایین تر از دیپلم، ۳ درصد دکتری هستند. ۵۳ درصد بین ۱ تا ۲ میلیون، ۲۵ درصد ۲-۴ میلیون، ۱۹ درصد کمتر از یک میلیون، ۳ درصد ۴-۱۰ میلیون، ۰/۵ درصد ۱۰ میلیون و بالاتر درآمد دارند. در ادامه توزیع جمعیت براساس مولفه های عرفی گرای و نگرش به فرزند می آید.

جدول ۲: توزیع جمعیت بر حسب عرفی شدن فردی (بعد ذهنی)

عدم اهمیت ارزش های دینی		عدم اهمیت عواطف دینی		عدم اهمیت اعتقادات دینی		عدم اهمیت دین در زندگی شخصی	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		عرفی شدن فردی
۸۸/۰	۳۵۳	۵۴/۶	۲۱۹	۹۳/۳	۳۷۴	کم	
۱۱/۰	۴۴	۴۲/۴	۱۷۰	۵/۲	۲۱	متوسط	
۱/۰	۴	۲/۷	۱۱	۱/۵	۶	زیاد	
۱۰۰/۰	۴۰۱	۹۹/۸	۴۰۰	۱۰۰/۰	۴۰۱	جمع	

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می کنید ۹۳ درصد افراد در حد کمی اعتقادات دینی و ۵۵ درصد در حد کمی عواطف دینی و ۸۸ درصد در حد کمی ارزش های دینی را بی اهمیت می دانند. این بدان معناست که افراد تاحد زیادی به اعتقادات دینی نظیر باور به خدا، بهشت، جهنم و معاد و صاحب روح بودن انسان و عواطف دینی هم چون تفکر درباره معنا و هدف زندگی و ... پایبند هستند و در جامعه خدا و دین برای مردم اهمیت زیادی دارد. البته بین اهمیت خدا و دین تفاوت قابل ملاحظه ای وجود دارد. ۹۸ درصد افراد به خدا اهمیت می دهند اما ۸۸ درصد به دین اهمیت می دهند. این امر تاییدی بر عرفی شدن جوامع کنونی است. جوامعی که در آنها از اهمیت دین کاسته می شود و تنها خدا جایگاه اصلی را در زندگی دارد. خدا به عرصه های خصوصی زندگی وارد می شود و دین از عرصه های عمومی جامعه حذف می شود.

مطابق داده های جدول ۳، مشارکت دینی افراد با ۶۲ درصد در حد متوسطی است. این نتیجه موید نظریه اینگلهارت مبنی بر تاثیر گذاری ارزش های دینی بر مشارکت دینی است. در واقع هرچه از اهمیت دین نزد افراد کاسته شود. مشارکت دینی نیز کاهش می یابد. چراکه دین جایگاه قبلی خود را از دست داده است. اما پیامدهای دینی با ۹۶ درصد هنوز برای افراد اهمیت دارد. البته در میان پیامدهای دینی ۴۹ درصد با طلاق کاملاً مخالف اند. این بدان معناست که قبح طلاق ریخته شده است و افراد جامعه به عنوان یک امر اجتناب ناپذیر در برخی مواقع در زندگی مشترک به آن می نگرند. اما در میان سایر پیامدها فحشا (۹۲ درصد)، خودکشی (۹۱

درصد)، رشوه (۸۶ درصد)، کرایه (۸۲ درصد) بیشترین میزان مخالفت در جامعه را به همراه دارند. ۷۴ درصد افراد جامعه نیز با سقط جنین مخالف اند. این میزان نشانگر آن است که در جوامع کنونی با توجه به افزایش فردگرایی و تمایل افراد جامعه به مدیریت و برنامه ریزی در زندگی زناشویی به سقط جنین به عنوان یک گزینه نگاه می‌کنند؛ چراکه حضور یک فرزند به طور ناخواسته و بدون برنامه ریزی روند زندگی آنها را مختل کرده و از رسیدن آنها به هدف جلوگیری می‌کند. در این شرایط حرمت سقط جنین در جامعه کاسته می‌شود. علاوه بر این با توجه به پیشرفت‌های علمی امکان اطلاع از نقایص جنینی در دوران بارداری فراهم شده که در صورت مشاهده اختلالی در روند رشد جنین پزشکان پیشنهاد سقط جنین را به زوجین می‌دهند. این بدان معناست که در جامعه حاضر سقط جنین در برخی مواقع جلوگیری از تولد یک نوزاد نارس است؛ در نتیجه حرمت سقط جنین در میان افراد کم شده است. البته مراجع تقلید تا قبل از ۴ ماه در صورت وجود اختلال در رشد جنین اجازه سقط را صادر می‌کنند. اما با بالا رفتن سن جنین اجازه سقط داده نمی‌شود. در این زمان است که تفاوت نگرشی افراد عرفی و غیر عرفی نمایان می‌شود. چرا که افراد عرفی هم چنان سقط جنین را تایید می‌کنند. چراکه آن را جلوگیری از تولد یک نوزاد ناقص می‌دانند و بین حکم علم مدرن و حکم شرع جانب علم را می‌گیرند.

جدول ۳: توزیع جمعیت بر حسب عرفی شدن فردی (بعد عینی)

عدم اهمیت پیامدهای دینی		عدم اهمیت مشارکت دینی		بعد عینی عرفی شدن فردی	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	کم	متوسط زیاد جمع
۹۵/۸	۳۸۴	۲۲/۷	۹۱	کم	
۳/۷	۱۵	۶۱/۸	۲۴۸	متوسط	
۰،۵	۲	۱۵/۵	۶۲	زیاد	
۱۰۰/۰	۴۰۱	۱۰۰/۰	۴۰۱	جمع	

براساس نتایج جدول ۴، افراد در حد زیادی به عقل‌گرایی (۷۷ درصد)، تجربه‌گرایی (۹۲ درصد)، علم‌محوری (۸۷ درصد) و پیشرفت (۷۹ درصد) تمایل دارند. اما تمایل به فردگرایی (۷۰ درصد) و انسان‌محوری (۴۵ درصد) در حد متوسطی است. این در حالی است که به صورت تقریبی نیمی از افراد جامعه به کثرت‌گرایی (۵۲ درصد) و آزادی (۵۱ درصد) در حد زیاد اعتقاد دارند. در یک چشم‌انداز کلی نتایج تحقیق حاکی از پذیرش ارزش‌های عرفی در سطح وسیعی در جامعه است.

جدول ۴: توزیع جمعیت بر حسب نگرش به ارزش های عرفی

جمع	زیاد	متوسط	کم		ارزش های عرفی
			فراوانی	درصد	
۴۰۱	۳۰۹	۷۳	۱۹	۴/۷	عقل گرایی
			فراوانی	درصد	
۴۰۱	۳۷۱	۲۳	۷	۱/۷	تجربه گرایی
			فراوانی	درصد	
۴۰۱	۳۵۱	۴۳	۷	۱/۷	علم محوری
			فراوانی	درصد	
۴۰۱	۳۱۷	۸۱	۳	۷	پیشرفت
			فراوانی	درصد	
۴۰۰	۱۰۵	۲۸۱	۱۴	۳/۵	فردگرایی
			فراوانی	درصد	
۹۹/۸	۲۶/۲	۷۰/۱	۳/۵	۲۸/۹	انسان محوری
			فراوانی	درصد	
۴۰۱	۱۰۶	۱۷۹	۱۱۶	۲۸/۹	کثرت گرایی
			فراوانی	درصد	
۴۰۱	۲۰۹	۱۸۷	۵	۱/۲	آزادی
			فراوانی	درصد	
۴۰۱	۲۰۶	۱۴۰	۵۵	۱۳/۷	آزادی
			فراوانی	درصد	
۱۰۰	۵۱/۴	۳۴/۹	۱۳/۷	درصد	

همان طور که در جدول ۵، مشاهده می کنید میزان عرفی گرایی افراد در دو نظام اقتصادی (۶۸ درصد)، نظام سیاسی (۶۳ درصد)، نظام اجتماعی (۵۴ درصد) و نظام فرهنگی (۴۸ درصد) در حد زیادی است. بر این اساس افراد تمایل زیادی به خصوصی شدن دین دارند چراکه مخالف حضور دین در نظام های چهارگانه هستند و تنها کارکرد دین را، در عرصه خصوصی می بینند. همان طور که نظریه پردازان عرفی شدن هم چون برگر، لاکمن، شپرد، دابلر مطرح می کنند؛ زمانی می توان از عرفی شدن جوامع سخن گفت که دین کارکردهای خود در عرصه عمومی را از دست بدهد و تنها به حوزه خصوصی و شخصی افراد محدود شود. در واقع همان طور که برگر مطرح می کند متکثر شدن زیست جهان ها در دنیای مدرن جایی برای ابراز وجود دین نمی گذارد و به ناچار دین به عرصه خصوصی محدود می شود.

جدول ۵: توزیع جمعیت بر حسب خصوصی‌شدن دین

نظام فرهنگی		نظام اجتماعی		نظام سیاسی		نظام اقتصادی		خصوصی‌شدن دین	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۱/۲	۴۵	۷/۵	۳۰	۶/۲	۲۵	۱/۵	۶	کم	قلمرو کارکرد نهاد دین در جامعه
۴۰/۶	۱۶۳	۳۸/۴	۱۵۴	۳۱/۲	۱۲۵	۳۰/۹	۱۲۴	متوسط	
۴۷/۹	۱۹۲	۵۴/۱	۲۱۷	۶۲/۶	۲۵۱	۶۷/۶	۲۷۱	زیاد	
۹۹/۸	۴۰۰	۱۰۰/۰	۴۰۱	۱۰۰/۰	۴۰۱	۱۰۰/۰	۴۰۱	جمع	

در جدول ۶، در میان منافع فرزند، تمامی افراد منافع احساسی فرزند را کم و منافع اقتصادی (۴۳ درصد)، تقویت و توسعه خود (۴۷ درصد) و کسب هویت با فرزند (۴۴ درصد) را در حد متوسطی و تداوم خانواده از طریق فرزند را در حد کمی دانسته‌اند. نتایج این جدول به خوبی منعکس کننده تغییری اساسی در نگرش به فرزند است. چرا که فرزند نه تنها منافع اقتصادی خانواده را تامین نمی‌کند بلکه منافع احساسی هم به تنهایی نمی‌تواند دلیلی برای فرزندآوری خانواده‌ها باشد؛ در نتیجه زمانی که اقتصاد مدرن فشارهای زیادی را بر جوانان وارد می‌کند؛ پدر و مادر شدن و منافع احساسی ناشی از آن رنگ می‌بازد. علاوه بر نتایج مؤید حضور ویژگی‌های گذار دوم جمعیتی در جامعه مبنی بر فردگرایی، تمایل به خودشکوفایی و البته نظریه دگرگونی صمیمیت است. در جامعه کنونی افراد کمتر از طریق فرزندان می‌توانند به تقویت و توسعه خود دست بزنند و احساس شکوفایی کنند. چراکه فرزند تا اندازه‌ای بر سر راه دست‌یابی آنها به اهداف مانع تراشی می‌کند. علاوه بر این همان گونه که نظریه دگرگونی صمیمیت نیز تصریح می‌کند: زوجین کنونی عشق و صمیمیت و همدلی را رکن مهم زندگی می‌دانند که تداوم زندگی از آن مایه می‌گیرد. در چنین جایگاهی است که حضور فرزند نمی‌تواند تداوم خانواده را تضمین کند.

جدول ۶: توزیع جمعیت بر حسب منافع فرزند

تداوم خانواده		کسب هویت		تقویت خود		منافع اقتصادی		منافع احساسی		منافع فرزند	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۵۴/۴	۲۱۸	۴۸/۱	۱۹۳	۳۴/۲	۱۲۷	۱۹/۲	۷۷	۱۰۰/۰	۴۰۱	کم	توزیع جمعیت
۳۷/۹	۱۵۲	۴۴/۱	۱۷۷	۴۷/۴	۱۹۰	۴۲/۶	۱۷۱	۰/۰	۰/۰	متوسط	
۷/۷	۳۱	۷/۷	۳۱	۱۸/۵	۷۴	۳۸/۲	۱۵۳	۰/۰	۰/۰	زیاد	
۱۰۰/۰	۴۰۱	۱۰۰/۰	۴۰۱	۱۰۰/۰	۴۰۱	۱۰۰/۰	۴۰۱	۰/۰	۰/۰	جمع	

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌کنید ۵۸ درصد افراد هزینه‌های احساسی فرزند را زیاد و ۸۳ درصد هزینه‌های اقتصادی را کم می‌دانند. در ضمن افراد در حد متوسطی این احساس را دارند که فرزند محدودیت (۴۸ درصد)، زحمات جسمی (۵۹ درصد) و هزینه‌های خانوادگی (۴۸ درصد) ایجاد میکند. نکته جالب توجه این است که افراد در این تحقیق برخلاف نظریات غالب جامعه منکر بالا بودن هزینه‌های اقتصادی فرزند می‌شوند و حتی منافع اقتصادی فرزند را در حد متوسطی می‌دانند. از جهتی دیگر نظر افراد در مورد محدودیت‌های فرزند (کم شدن توجه همسر، کم شدن وقت‌هایی که زن و شوهر باهم صرف می‌کنند و حل نشدن اختلافات زناشویی با حضور فرزند) و هزینه‌های خانوادگی (کاهش حضور مادر در جامعه، کاهش تفریحات و سرگرمی‌ها) همگی مؤید نظریه دگرگونی صمیمیت هستند.

جدول ۷: توزیع جمعیت بر حسب هزینه فرزند

هزینه خانوادگی		زحمات جسمی		محدودیت		هزینه اقتصادی		هزینه احساسی		هزینه فرزند	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۳۰/۴	۱۲۲	۰/۰	۰/۰	۳۸/۹	۱۵۶	۸۲/۸	۳۳۲	۰/۲	۱	کم	ب.ع. متوسط زیاد جمع
۴۸/۴	۱۹۴	۵۹/۴	۲۳۸	۴۸/۱	۱۹۳	۱۷/۲	۶۹	۴۱/۴	۱۶۶	متوسط	
۲۱/۲	۸۵	۲۹/۹	۱۲۰	۱۳/۰	۵۲	۰/۰	۰/۰	۵۸/۴	۲۳۴	زیاد	
۱۰۰/۰	۴۰۱	۸۹/۳	۳۵۸	۱۰۰/۰	۴۰۱	۱۰۰/۰	۴۰۱	۱۰۰/۰	۴۰۱	جمع	

مطابق با جدول ۸، در زمینه ارزش‌های خانواده بزرگ ۷۴ درصد افراد مزایای ناشی از چند فرزندی را تایید کرده‌اند. این در حالی است که ترجیحات جنسی برای ۴۶ درصد افراد در حد کمی اهمیت دارد. ۵۲ درصد افراد نیز در حد کمی داشتن فرزندان زیاد را اطمینان‌خاطری برای پیری یا مرگ احتمالی فرزندان دانسته‌اند. همان‌طور که اینگلهارت بیان می‌کند؛ با توجه به رشد فردگرایی و انسان‌محوری در جوامع کنونی، افراد کمتر به فرزندانشان متکی هستند و با توجه به بالا رفتن امنیت‌های شغلی و خدماتی که دولت‌ها ارائه می‌دهند. والدین در دوران پیری کمتر به پشتیبانی فرزندان نیاز دارند. علاوه بر این با رشد بهداشت و پیشرفت علوم پزشکی میزان مرگ و میر نوزادان و کودکان کاهش یافته و در نتیجه خانواده‌ها نگرانی کمتری بابت مرگ نوزادان دارند.

جدول ۸: توزیع جمعیت بر حسب ارزش خانواده بزرگ

ارزش خانواده بزرگ		روابط فرزندان		ترجیحات جنسی		بقای فرزندان	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
نگرش به فرزند	کم	۰/۷	۳	۴۵/۹	۱۸۴	۲۰/۸	۵۱/۹
	متوسط	۲۵/۲	۱۰۱	۳۲/۲	۱۲۹	۱۹/۳	۴۸/۱
	زیاد	۷۴/۱	۲۹۷	۲۱/۹	۸۸	۰/۰	۰/۰
	جمع	۱۰۰/۰	۴۰۱	۱۰۰/۰	۴۰۱	۴۰/۱	۱۰۰/۰

داده‌های جدول ۹ حاکی از آن است که ۵۱ درصد افراد در حد کمی قائل به این موضوع هستند که فرزند زیاد مانع از توجه به سایر فرزندان می‌شود و این که فرزندان خانواده‌های کم‌اولاد موفق‌ترند. ۶۱ درصد افراد نیز مخالف این موضوع هستند که فرزند زیاد آینده مالی خانواده را به خطر می‌اندازد و این که فرزند کم موجب می‌شود انسان در زندگی پیشرفت کند.

جدول ۹: توزیع جمعیت بر حسب ارزش خانواده کوچک

ارزش خانواده کوچک		کیفیت فرزندان		رفاه و آینده نگری	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
نگرش به فرزند	کم	۵۱/۴	۲۰۶	۲۴/۶	۶۱/۳
	متوسط	۴۸/۶	۱۹۵	۱۵/۵	۳۸/۷
	زیاد	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
	جمع	۱۰۰/۰	۴۰۱	۱۰۰/۰	۴۰/۱

فرضیه اول: بین عرفی‌گرایی و ارزش فرزند رابطه وجود دارد. به منظور بررسی فرضیه فوق با توجه به فاصله‌ای بودن متغیرهای مستقل و متغیر وابسته آزمون همبستگی پیرسون مورد استفاده قرار گرفت. نتایج آزمون همبستگی میان متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در جدول ۱۰ منعکس شده است. براساس یافته‌های جدول ۱۰ می‌توان گفت که با توجه به سطوح معناداری (۰/۰۰) رابطه بین عرفی‌گرایی و ارزش فرزند تایید می‌شود. البته در میان ابعاد ارزش فرزند، ارزش‌های مثبت رابطه ضعیفی با عرفی‌گرایی در افراد دارند. اما سایر ابعاد ارزش فرزند رابطه‌ی نسبتاً متوسطی با عرفی‌گرایی دارند. منفی بودن ضرایب همبستگی نیز نشانگر رابطه

معکوس میان دو متغیر است. که در نتیجه می توان گفت با افزایش عرفی گرایی ، ارزش فرزند در نظر افراد کاهش می یابد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین عرفی گرایی و ارزش فرزند

معناداری	همبستگی پیرسون	آزمون آماری	
		متغیرها	
۰/۰۰	-۰/۱۶۵	ارزش های عمومی مثبت	عرفی گرایی
۰/۰۰	-۰/۳۰۴	ارزش های عمومی منفی	
۰/۰۰	-۰/۲۶۶	ارزش های خانواده بزرگ	
۰/۰۰	-۰/۳۲۹	ارزش های خانواده کوچک	

فرضیه دوم: بین ابعاد عرفی گرایی و ارزش فرزند رابطه وجود دارد. برای بررسی ابعاد عرفی گرایی و ارزش فرزند رابطه از رگرسیون چند متغیره استفاده کردیم. نتایج جدول ۱۱، نشانگر آن است که از میان ابعاد عرفی گرایی تنها ارزش های عرفی و خصوصی شدن دین با ابعاد ارزش فرزند در ارتباط اند. طبق یافته های حاصل بتای ارزش های عرفی بر هزینه های فرزند ۰/۳۶-، بر ارزش خانواده بزرگ ۰/۲۳-، بر ارزش های خانواده کوچک ۰/۳۵- و بتای خصوصی شدن دین بر ارزش مثبت فرزند ۰/۲۸-، بر ارزش خانواده کوچک ۰/۱۳- است. در این میان نگرش به ارزش های عرفی و خصوصی شدن دین با ضریب تعیین ۰/۲۰ و ۰/۲۱ به نسبت سایر متغیرها توانسته اند واریانس تغییرات بیشتری (۲ درصد) مربوط به ارزش های خانواده کوچک را تبیین نمایند.

جدول ۱۱: رگرسیون چند متغیره ابعاد عرفی گرایی و ارزش فرزند

خطای استاندارد	آزمون T	سطح معناداری	R ²	Beta	b	آماره ها	
						متغیرهای معادله	
۰/۰۲	-۵/۹۹	۰/۰۰	۰/۰۸	-۰/۲۸	-۰/۱۷	خصوصی شدن دین	ارزش مثبت فرزند
۰/۰۲	-۷/۸۳	۰/۰۰	۰/۱۳	-۰/۳۶	-۰/۲۲	نگرش به ارزش های عرفی	ارزش منفی یا هزینه فرزند
۰/۰۲	-۴/۹۰	۰/۰۰	۰/۰۵	-۰/۲۳	-۰/۱۰	نگرش به ارزش های عرفی	ارزش های خانواده بزرگ
۰/۰۱	-۵/۳۷	۰/۰۰	۰/۲۰	-۰/۳۵	-۰/۰۹	نگرش به ارزش های عرفی	ارزش های خانواده کوچک
۰/۰۱	-۱/۹۷	۰/۰۴	۰/۲۱	-۰/۱۳	-۰/۰۳	خصوصی شدن دین	

۵- بحث و نتیجه گیری

تدقیق یافته‌های مربوط به بررسی رابطه عرفی‌گرایی و نگرش به فرزند در بین زوجین ۱۵- ۴۹ ساله تهرانی به شرح ذیل می باشد:

نتایج تحقیق نشان گر آن است که جامعه مورد مطالعه دارای جهت گیری‌های عرفی در حد زیادی است. همان طور که برگر تصریح می کند با توجه به متکثر شدن زیست جهان‌ها در دنیای مدرن، دین به عرصه‌های خصوصی و شخصی منحصر می‌شود و از حضور در عرصه‌های عمومی باز می ماند و دیگر کارکردهای گذشته خود را ندارد. نکته جالب توجه این است که در جامعه ما ۹۲ درصد افراد در حد متوسطی به اعتقادات، ارزشها، عواطف، مشارکت و پیامدهای دینی پایبند هستند؛ در نتیجه می توان گفت عرفی‌گرایی فردی که مؤید حضور دین در عرصه خصوصی است، هنوز در حد بالایی است. اما از طرفی دیگر ارزش‌های عرفی (۷۷ درصد) هم چون کثرت‌گرایی، آزادی، عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی طرفداران بسیاری دارد. تمایل افراد به خصوصی شدن دین نیز نشانگر آن است که از تمایل افراد به حضور دین در نظام‌های چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی کاسته شده است؛ به نحوی که ۶۶ درصد در حد زیادی تمایل دارند که دین در نظام‌های چهارگانه جامعه دخالت نکند.

علاوه بر این فرزند در جامعه کنونی نه تنها برای زوجین ارزش احساسی ندارد بلکه هزینه‌های احساسی زیادی را نیز به آنها تحمیل می‌کند. با توجه به رشد فراگیر مفاهیمی چون خودشکوفایی و فردگرایی، افراد به دنبال تقویت و توسعه خود نه از طریق فرزندان بلکه از طریق شغل و تحصیلات هستند. در جامعه کنونی فرزند منبع هویت بخشی به والدین نیست. چراکه پیش روی والدین منابع بسیاری برای کسب هویت قرار دارد. همان طور که لستاق و وندکا تصریح می‌کنند با صنعتی شدن، نوسازی و شهرنشینی، بهبود امنیت اقتصادی؛ تغییرات شگرفی در ارزش‌ها و نگرش‌ها ایجاد شده است. در این زمینه است که "معنای پدر و مادر" بیشتر در قالب خودمداری قرار می‌گیرد تا وظیفه اجتماعی. توجه به شکوفایی خود، هزینه‌های و فرصت‌های از دست رفته به خاطر فرزند و زحمات جسمی ناشی از فرزند را برجسته‌تر می‌کنند و افراد از این کمتر می‌توانند برای دستیابی به اهداف خود وقت بگذارند، احساس ناراحتی می‌کنند. علاوه بر این پیوستگی و تداوم خانواده در جامعه کنونی نمی‌تواند دلیل موجهی برای فرزندآوری باشد چراکه زوجین به دنبال کسب صمیمیت و همدلی در ازدواج هستند. بر این اساس می‌توان از "خانواده هتلی" یا "هتل زیستی" ناظر بر گذران زندگی به سبکی فراغت گونه است؛ سخن گفت. چرا که دیگر خانواده نه بر اساس یک قرارداد مشروعیت بخشبه رابطه جنسی برای فرزندآوری و تضمین مالکیت اموال در نسل‌های بعدی شکل می‌گیرد بلکه بر پایه یک تعلق رمانتیک شکل می‌گیرد.

هرچند در جوامع کنونی صنعتی شدن و شهرنشینی با ایجاد شرایط بهداشتی و محیطی سالم تر امکان مرگ و میر کودکان را به نحو بارزی کاهش داده و نگرانی والدین برای از دست دادن کودکان کمتر شده است و والدین دیگر نگران بقا و امنیت جانی فرزندان خود نیستند. اما هنوز بر فواید ناشی از خانواده بزرگ صحنه می‌گذارند و به رشد و پرورش کودکان در خانواده‌های پرجمعیت واقف هستند. علاوه بر این ترجیحات جنسی در مورد فرزندان در جامعه ما کم‌رنگ شده است.

در نهایت نیز فرضیه اصلی تحقیق یعنی وجود رابطه‌ی معنادار بین عرفی‌گرایی و نگرش به فرزند تایید شد. نتایج تحقیق با نتایج کار مارشال و همکارانش در یک راستا قرار می‌گیرد. مارشال و همکاران نشان داده‌اند که، مذهبی بودن با باروری بالا هم در بین زنان اسپانیایی و هم غیر اسپانیایی ارتباط دارد. علاوه بر این نتایج گارزا و همکاران مبنی بر این که باروری ربطی به شدت کنونی مذهبی بودن افراد ندارد؛ مخالف نتایج این تحقیق است. چراکه بر اساس نتایج این تحقیق بین باروری و نگرش به فرزند رابطه مستقیم و معکوس وجود دارد. بر این اساس همان طور که اینگلهارت تصریح می‌کند ارزش‌های عقلانی / عرفی در برابر ارزش‌های سنتی مفاهیم جدیدی را پیش روی جوامع پسا صنعتی می‌گذارند که عمیقاً با مفاهیم جوامع سنتی در تضاد هستند و همان طور که گلدشایر نتیجه‌گیری می‌کند دین مترادف با ارزش‌های خانوادگی و نابرابری‌های جنسیتی است. با صنعتی شدن جوامع و نوسازی و شهرنشینی تغییرات گسترده اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌شود. این تغییرات ارزش‌های جدیدی هم چون ازدواج در سنین بالا، طلاق، خانواده‌های تک‌والدی، فرزندآوری نادر، سقط جنین و ارزش‌های برابری جنسیتی را مطرح می‌کند. علاوه بر این با پیشرفت‌های علوم، امنیت مادی و معنوی بیشتری نسبت به گذشته در جوامع فراهم می‌شود. زنان با کار در خارج از منزل و ادامه تحصیلات دل مشغولی‌های زیادی پیدا می‌کنند و دیگر به فرزندآوری به عنوان یک امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر نمی‌نگرند. چراکه فرزندان هزینه‌های بسیاری را بر دوش والدین قرار می‌دهند.

منابع

- برگر، پیتر ال (۱۳۸۰). *افول سکولاریسم: دین خیزشگر و سیاست جهانی*. ترجمه افشار امیری. تهران: پنگان.
- اینگلهارت، رونالد و نوریس، پیپا (۱۳۸۷). *مقدس و عرفی*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
- سگالن، مارتین (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه حمید الیاسی. چاپ پنجم. تهران: مرکز.

- شالی، محمد و رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۱). تحلیل فضایی سطح توسعه یافتگی تهران. فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا، ۴، ۲۵-۴۹.
- لوکاس، دیوید و میر، پاول (۱۳۸۴). درآمدی بر مطالعات جمعیتی. ترجمه حسین محمودیان. تهران: دانشگاه تهران.
- مشفق، محمود و عشقی، سارا (۱۳۹۱). تحلیلی بر رابطه‌ی ارزش فرزندان و باروری بین زنان تهرانی. مطالعات راهبردی زنان، ۵۸، ۹۳-۱۲۱.
- وریج کاظمی، عباس و فرجی، مهدی (۱۳۸۲). عرفی‌شدن و زندگی روزمره. نامه علوم اجتماعی، ۲۱، ۲۴۳-۲۶۹.
- هانتینگتون، برگر (۱۳۸۳). چند جهانی‌شدن. ترجمه علی کمالی و لادن کیانمهر. تهران: روزنه.
- Abbasi-Shavazi, M.J. (2009). The fall in Iranian fertility: theoretical considerations. In M. J. Abbasi-Shavazi, P. McDonald & M. Hosseini-Chavoshi, (Eds.), *The fertility transition in Iran: revolution and reproduction* (pp. 1-16). Netherlands: Springer.
- Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P., & Hosseini-Chavoshi, M. (2009). A cohort perspective on changes in family, fertility behaviour and attitudes. In M. J. Abbasi-Shavazi, P. McDonald & M. Hosseini-Chavoshi, (Eds.), *The fertility transition in iran: revolution and reproduction* (pp. 135-161). Netherlands: Springer.
- Bar-El, R., García-Muñoz, T., Neuman, S., & Tobol, Y. (2013). The evolution of secularization: cultural transmission, religion and fertility—theory, simulations and evidence. *Journal of Population Economics*, 26(3), 1129-1174.
- Brañas-Garza, P., & Neuman, S. (2006). *Is fertility related to religiosity? Evidence from Spain* (No. 2192). IZA Discussion Papers.
- Bryan S. Turner (2004). Religion, romantic love, and the family, In Jacqueline Scott, Judith Treas, and Martin Richards (Eds.), *The blackwell companion to the sociology of families* (pp. 150-180). Blackwell Publishing Ltd.
- Frejka, T., & Westoff, C. F. (2006). *Religion, religiousness and fertility in the US and in Europe* (No. WP-2006-013). Max Planck Institute for Demographic Research, Rostock, Germany.
- Goldscheider, C. (2006). Religion, family, and fertility: What do we know historically and comparatively? In Renzo Derosas and Frans van

Poppel (eds.), *Religion and the decline of fertility in the Western World* (pp. 41-57). Springer Netherlands.

- Therborn, G. (2014) Family systems of the world: Are they converging?" In: Judith Treas, Jacqueline Scott, and Martin Richards (Eds.) *The Wiley Blackwell Companion to The Sociology of Families* (pp. 1-19). Wiley-Blackwell.
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). *Modernization, cultural change, and democracy: The human development sequence*. Cambridge University Press.
- Newman, L. A., & Hugo, G. J. (2006). Women's fertility, religion and education in a low-fertility population: Evidence from South Australia. *Journal of Population Research*, 23(1), 41-66.
- van da Kaa, D. (1998). *Post-modern fertility preferences: from changing value orientation to new behaviour* (No. 74). Working Papers in Demography.
- Westoff, C. F., & Marshall, E. A. (2010). Hispanic fertility, religion and religiousness in the US. *Population research and policy review*, 29(4), 441-452.
- Zuckerman, Ph. (2016). *Religion declining, secularism surgin*. Retrieved from https://www.huffingtonpost.com/phil-zuckerman/religion-declining-secula_b_9889398.html